

شماره: ۱

پایه:	۶	موضوع:	فقه ۶
تاریخ:	۹۳/۳/۲۴	ساعت:	۸

نام کتاب: شرح لمعه (کتاب المدود، از الفصل الفامس تا پایان کتاب الدیات)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. یقتصّ للمرأة من الرجل فی الطرف من غیر ردّ حتی تبلغ دية الطرف، ..... فتصیر علی النصف. ب ۴۱۱
- أ. نصف دية الحرّ  ب. ثلث دية الحرّ  ج. مثل دية الحرّ  د. ربع دية الحرّ
۲. الخطأ الشبيه بالعمد هو أن ..... ج ۴۵۸
- أ. يكون فعله بما يقتل غالباً  ب. يكون فعله عدواناً و ممّا يقتل  ج. يتعمّد الفعل دون القصد  د. يتعمّد القصد دون الفعل
۳. دية الذمی ..... علی الأشهر رواية و فتوی. أ ۴۹۳
- أ. ثمان مئة درهم  ب. أربعة آلاف درهم  ج. عشرون بنت مخاض  د. ثلاثون بنت مخاض
۴. المشهور أنه لو ادعى الصحيح ذهاب نطقه بالجناية التي يحتمل ذهابه بها ..... أ ۵۰۴-۴
- أ. لا يمكن تصديق قوله إناً بالتسامه  ب. لا يمكن تصديقه حتى بالتسامه
- ج. يجب إقامة البينة عليه لأنها وظيفة المدعی  د. يضرب لسانه بإبرة فإن خرج الدم أسود صدّق

## تشریحی

\* لا فرق فی القطع بین علمه بقیمته أو شخصه و عدمه، فلو ظنّ المسروق فلساً فظهر دیناراً قطع علی الأقوی؛ لتحقق الشرط. و لا یقدح عدم القصد إليه؛ لتحققه فی السرقة إجمالاً و هو كافٍ، و لشهادة الحال بأنه لو علمه لقصده. ۳۴۶/۴

۱. أ. مراد از «لتحقق الشرط» چیست؟ ب. عبارت «لشهادة الحال بأنه لو علمه لقصده» تعلیل چیست؟ آن را توضیح دهید.

أ. یعنی شرط قطع دست در اینجا فراهم است؛ زیرا از حرز دزدی کرده و هم به اندازه ربع دینار بوده است. ب. جمله فوق علت برای این است که چرا با وجود آن که دزد قصد این دزدی به اندازه نصاب را نداشته، اما باز هم دستش قطع می‌شود. شهید می‌فرماید: چون قرائن نشان می‌دهد که اگر می‌دانست مال مسروقه زیاد است، باز هم قصد سرقت می‌کرد.

\* قيل: إذا باع سارق الحرّ إياه قطع لفساده فی الأرض لا حدّاً؛ و یشکل بأنه إن كان مفسداً فاللازم تخیر الحاكم بین قتله و قطع یده و رجله من خلاف لا تعین القطع خاصة. ص ۳۵۴

۲. أ. صورت مسأله و حکم آن را بنویسید؟ ب. اشکال شارح بر این نظر را بیان کنید.

أ. اگر شخص دزدی، انسان حرّی را بدزدد، دست دزد قطع می‌شود اما نه بخاطر دزدی بلکه دستش بخاطر فساد در روی زمین قطع می‌شود. ب. اگر این شخص مفسد باشد لازمه‌اش این است که حاکم در بین قتل وی یا قطع دستش مخیر باشد نه اینکه قطع به تنهایی تعین یابد.

\* إذا كانت البهيمة الموطوءة غير مأكولة اللحم، تخرج من بلد الواقعة و تباع، و في الصدقة بثمنه أو إعادته على الغارم و جهان من كون ذلك عقوبة على الجناية فلم تحصل العقوبة بإعادة الثمن و لكون الصدقة مكفرة لذنبه و من أصالة بقاء الملك على مالكة و البراءة من وجوب الصدقة والأخبار خالية عن تعيين ما يصنع به. ٣٧٥-٣٧٤

٣. دليل صدقه دادن ثمن و وجه بازگرداندن آن به غارم را تبیین نمائید.

وجه صدقه: این عمل به عنوان عقوبت بود فلذا با بازگرداندن ثمن سازگار نیست و همچنین باید صدقه کفاره گناه باشد - وجه اعاده: اصل بر بقاء ملک در مال مالک قبل است و اصل برائت از وجوب صدقه نیز دال بر عدم وجوب است و همچنین اخبار نیز از تعیین محل صرف صدقه ساکت است.

\* لو قتلَه في منزله فادعى القاتل إرادة المقتول نفسه أو ماله و أنه لم يندفع إناً بالقتل فعليه البيّنة أن الداخل كان معه سيف مشهور مقبلاً على ربّ المنزل و إن لم تشهد بقصده القتل. ٣٩٢/٤

٤. فرع فوق را توضیح دهید.

اگر قاتل شخصی را در منزل خود بکشد و ادعا کند که مقتول قصد جان یا مال قاتل را داشته بنحوی که جز با کشتن، دفع وی ممکن نبوده است، قاتل باید بینه‌ای بر این مطلب بیاورد مثل این که شخصی شهادت دهد که مقتول با شمشیر آشکاری به سوی صاحبخانه می‌رفته است اگر چه که شاهد، شهادت ندهد که وی قصد قتل داشته است.

\* لو قتل حرّ حرّین فساعداً فليس لأوليائهم إناً قتله لخبر «لايجنى الجاني على أكثر من نفسه» و هل لبعضهم المطالبة بالدية و لبعض القصاص؟ و جهان من ظاهر الخبر و تعدّد المستحق. ٤١٧-٤١٦

٥. هر یک از «ظاهر الخبر» و «تعدّد المستحق» دلیل کدام وجه است؟ توضیح دهید.

یک احتمال این است که چنین درخواستی جایز باشد زیرا مستحق متعدد است؛ پس هر کدام می‌تواند خواسته خود را بطلبد. احتمال دوم عدم جواز است زیرا روایت فوق می‌گوید جانی بیشتر از نفس خود را بدهکار نمی‌شود در حالی که اگر بخواهیم هم از او دیه بگیریم و هم او را قصاص کنیم خلاف روایت عمل شده است.

\* (تقطع اليمين باليمين) فإن لم تكن لقاطع اليمين فاليسرى فإن لم تكن فالرجل اليمنى فإن فقدت فاليسرى على الرواية، و إنما أسند الحكم إليها لمخالفتها للأصل من حيث عدم المماثلة بين الأطراف. ٤٣٦

٦. أ. بر اساس عبارت، حکم ترتب میان اعضاء در قصاص را بیان نمائید. ب. چرا مصنف حکم را به «على الرواية» مستند نموده است؟ توضیح دهید.

أ. دست راست در مقابل دست راست قطع می‌شود و اگر دست راست نبود دست چپ در مقابل دست راست و إلا پای راست و اگر آن هم نبود پای چپ قطع می‌شود. ب. این قید بخاطر مخالفت حکم با اصل است زیرا اصل می‌گوید باید تماثل بین اعضاء حفظ شود اما روایت مخالف این اصل را بیان نموده است.

\* لو كان إخراج المرء من منزله ليلاً بالتماسه الدعاء فلا ضمان لزوال التهمة حينئذٍ و أصالة البراءة و يحتمل الضمان لعموم النص و الفتوى. ٤٦٨

۷. با توجه به عبارت، عدم ضمان در چه فرضی است؟ ب. دلائل ضمان و عدم ضمان را تبیین نمائید.

أ. در صورتی که خود شخص بخواهد که او را صدا بزنید ب. دلیل عدم ضمان: زوال تهمت و أصالت برائت ذمه از خون وی، دلیل ضمان: عمومیت روایت بر این مورد و عمومیت فتوی در آن.

۸. دیه هر یک از موارد زیر را بنویسید. ۵۱۷

أ. الرجلان: دیه کامل ب. الساقان إذا قُطِعَا منفردین عن الرجل: دیه کامل

ج. الترقوة إذا كسرت فَجُبرَت على غیر عیب: چهل دینار د. كل ضلع مما يلي القلب إذا كسرت: ۲۵ دینار

\* دیه الشجاج فی الوجه و الرأس سواء؛ لأنها لاتنطق إلّا علیها و فی البدن بنسبة دیه العضو إلى الرأس. ۵۳۴

۹. أ. وجه تساوی دیه شجاج در سر و صورت چیست؟ ب. دیه شجاج در بدن چگونه تعیین می شود؟ با مثال توضیح دهید.

أ. بخاطر اینکه شجاج فقط به زخم سر و صورت اطلاق می شود فلذا دیه آن دو متساوی است. ب. دیه آن عضو را نسبت به سر می سنجند مثلا در خراش پوست نصف شتر خواهد بود.